

### متن پرسش

سلام بر شما که خداوند آدمی را جاودان آفرید در سرایی که نیاز به بقایش اهمیت دارد و انسان را از خاکی پاک آفرید سپس برایش نپسندید و او را در جسم روحانی باقی دوست داشت زیرا از همه نظر برای خانواده، دوستان و کسانی که با او کار دارند بهتر است و هم برای خود او و رحلت از دنیا را در اصل و اساس رحلت خروج بی نیازی در دنیا آفرید هرچند بسیاری بگونه های غیر اصیل از دنیا می روند. آنچه از رحلت از دنیا برای عموم فهم شده موت را نوعی نابودی می دانند! خیر انتقال است... و یا آن را جدایی می دانند که قطع به یقین جدایی نیست بلکه بیشتر بودن است اگر دنیا را اصل قرار ندهیم بلکه اصالتمان که سرای باقی است اصل قرار دهیم در این صورت موت یعنی بیشتر بودن. اگر بخواهید این مسئله را در مورد خودتان برای ما توضیح دهید تا ما بتوانیم ملموس تر آن را بفهمیم چگونه می شود؟ مثلاً خب ما به شما علاقه داریم اما به هر حال همه ازین سرا خواهیم رفت منتهی شاید اگر شما جملاتی بفرمایید به ما و خودتان بلطف خدا کمک شده تا بالاخره بدانیم رابطه تمام نمی شود و زندگی ادامه دارد مگر می شود جلسات قرآن و غیره ای که دائماً در قیامت تا برزخ و در نهایت به مسجد النبیا می رسید که امری از جنس بقاست تمام شود زمانی که جلسه ای نورانی است؟! آن همه شنبه ها گرد هم آمدیم که جاودان تر شود و در همه روابط دیگر نیز...

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین طور که می فرمایید با حضور در جلساتی که جان ما را از نظر معارف و معنویت فربه و فربه تر می کند، بعد از این دنیا حضورمان بیشتر می شود و با حضور بیشتر به شغفی جانانه و گسترده نایل می شویم به همان معنایی که فرمودند: «الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ». موفق باشید